



تحلیلی بر دیدگاه‌های مختلف در موضوع انتقال آب

مروری گذرا به شرایط اقلیمی ایران از حافظه کهنسالان این مرز و بوم، حاکی از کم آبی و خشکسالی در دوره‌های مختلف زمانی در این سرزمین پهناور بوده است. در سال‌هایی ریزش‌های جوی نشان از بهبود وضعیت آبی داشته و در دوره‌های زمانی بیشتری، کاهش نزولات جوی غالب بوده است. با این وجود رفتار بهره‌برداران منابع آبی به‌گونه‌ای صورت می‌گرفت که تعادل بین منابع آب تجدیدپذیر و برداشت از منابع آبی در تعادل نسبی قرار داشت. از حدود نیم قرن پیش، با توسعه تکنولوژی و تسهیل در امر بهره‌برداری از منابع آب (به‌خصوص آب زیرزمینی)، روند استفاده از منابع آبی نسبت به میزان آب تجدیدپذیر فزونی گرفت و از سویی دیگر با بروز تغییرات اقلیمی، آب تجدیدپذیر را با کمبود بیشتری مواجه کرد. براساس آمار ثبت‌شده، کاهش منابع آب تجدیدپذیر ناشی از کاهش نزولات جوی، به حدود یک میلیارد مترمکعب در سال می‌رسد. اما واقعیت این است که ناترازی در منابع آبی، بسیار بیشتر از این مقدار است. این ناترازی متأثر از عوامل متعددی است که بررسی هر یک از آن‌ها در این متن کوتاه نمی‌گنجد. آنچه از مجموعه اقدامات انجام شده در سال‌های متمادی به‌نظر می‌رسد، این است که برنامه‌ریزی شرایط آبی کشور در مناطق مختلف، با یا بدون آگاهی، به‌گونه‌ای مدیریت شده که کشور از نظر منابع تأمین‌کننده آب، درحالت بن‌بست عملی قرار گیرد. این امر نتیجه برخی سیاست‌های کلان در حوضه خودکفایی و امنیت غذایی بوده است که در راستای آن، کشاورزی به‌عنوان محور توسعه کشور قرارداد شد، اما چنان‌که امروز شاهدیم، از نظر تولید محصولات کشاورزی، کشور به خودکفایی نرسیده و از طرف دیگر منابع آبی به وضعیت اسفباری رسیده است. به‌هرصورت، عدم مدیریت مناسب در تولید و مصرف، شرایط را به‌گونه‌ای رقم زده است که برای تأمین آب مورد نیاز در بخش شرب، صنعت و حتی کشاورزی، ناچار به تأمین آب به شیوه‌های مختلف می‌باشیم. بازچرخانی آب، استفاده از پساب، انتقال آب، مدیریت مصرف و... شیوه‌های قابل انجام در تأمین کسری آب مورد نیاز می‌باشند. از بین روش‌های مطرح، برخی در کوتاه‌مدت به نتیجه می‌رسند و روش‌هایی نامطمئن و هزینه‌بر هستند و برخی با برنامه‌ریزی مناسب در طولانی‌مدت نتیجه خواهند داد و روش‌هایی پایدار هستند. چنان‌که اگر

روش‌های طولانی‌مدت همچون مدیریت بهینه در استفاده از منابع آبی به‌عنوان یک روش دست نیافتنی در مقابل روش‌های زودبازده همچون انتقال آب از نقاط دیگر قرار می‌گیرد. نیاز به آب شرب به‌عنوان اصلی‌ترین عامل در توجیه گزینه‌های زودبازده با هزینه‌های هرچند هنگفت، بسیار مورد توجه تصمیم‌گیران و توجیه‌کنندگان این روش‌ها قرار خواهد گرفت. انتقال آب از سال‌های دور در کشور به شیوه‌های مختلف صورت می‌گرفته است. در دهه اخیر، برای تأمین بخشی از آب مورد نیاز صنعت و شرب از طریق شیرین‌سازی آب دریا (جنوب ایران)، پروژه‌های عظیمی طراحی و اجرا شده است که بخشی از آن‌ها به اتمام رسیده و بخشی هنوز در ابتدا یا میانه راه است. از زمان مطرح‌شدن چنین طرح‌هایی، متخصصین و متولیان نظرات متفاوتی را در این خصوص ارائه نمودند که برای بررسی اجمالی این نظرات می‌توان آنها را در چند قسمت تفکیک نمود.

۱- گروه اول اصولاً با انتقال آب مخالف هستند (این گروه بر به‌کارگیری تمامی امکانات و روش‌ها برای استفاده بهینه از منابع آبی تأکید دارند و بر این موضوع پافشاری می‌نمایند که از نگاه آمایش سرزمین به مسأله پرداخته شود. در واقع همان شاخص‌های مطرح شده از سوی سازمان جهانی یونسکو در پنج بند را سر لوحه نظرات خود قرارداده‌اند).

۲- گروه دوم با محل انتقال آب مخالف هستند (برخی محل مبدأ را برای انتقال با چالش روبرو می‌کنند؛ به‌عنوان مثال در مورد انتقال آب از دریا به خشکی (فلات مرکزی ایران) عده‌ای انتقال آب از دریای خزر را مناسب و برخی انتقال از دریای عمان را ارجح می‌دانند).

۳- گروه سوم با نحوه انتقال آب مخالف هستند (شیوه‌های انتقال به‌صورت پمپاژ و و ثقلی، دو گزینه مهم است که در طراحی از نگاه اقتصادی می‌تواند یک طرح را تأیید و یا رد کند. از این دیدگاه برخی انتقال آب از دریای عمان را همراه با صرف انرژی بسیار، با تولید کربن دی‌اکسید زیاد می‌دانند. اما انتقال از دریای خزر را با صرف انرژی بسیار کمتر و انتقال در بخش وسیعی به‌صورت ثقلی که مصرف انرژی وجود ندارد، توصیه می‌کنند).

۴- گروه چهارم با این مسأله که صرفاً انتقال آب انجام شود، مخالف هستند (بر این عقیده هستند که باید همزمان اقدامات دیگر صورت گیرد).

۵- گروه پنجم با نگاه ایجاد فرصت، با انتقال آب موافقند (تأمین آب را در شرایط کم‌آبی، به‌عنوان فرصتی برای اجرای برنامه‌ریزی در مدیریت مصرف می‌دانند).

۶- گروه ششم از نگاه اجتماعی با انتقال آب موافقند (کمبود آب مشکلات و خطرات و نابسامانی‌های اجتماعی و درگیری‌های

قومی ایجاد می‌کند که با انتقال آب می‌توان آن را محدود کرد).
۷- گروه هفتم از نگاه سیاسی با انتقال موافقت (انتقال آب به مناطق مرزی و تأمین آب در این مناطق، می‌تواند از مهاجرت مرزنشینان جلوگیری نماید و مرزها از امنیت بیشتری برخوردار باشد).

۸- گروه هشتم از نگاه اقتصادی با انتقال موافقت (نقش این گروه شاید در ظاهر امر مشخص نباشد، اما این گروه بیشترین منافع را از انجام پروژه‌های انتقال آب به دست می‌آورند).

معیارهای یونسکو چیست؟

۱- لازم است قبل طرح انتقال در کلیه گزینه‌های موجود برای تأمین آب مقصد، شناسایی شود و در صورت عدم تأمین کافی، انتقال آب می‌تواند توجیه پذیر باشد.

۲- توسعه آبی حوضه مبدأ نباید به سبب کمبود آب، با محدودیت چشمگیر روبرو شود. اگر حوضه مقصد، زیان‌های وارده به حوضه مبدأ را جبران کند، و یا در مسیر مشکلاتی ایجاد نکند، طرح انتقال ممکن است توجیه‌پذیر باشد.

۳- ارزیابی جامع پیامدهای محیط‌زیستی بایستی نشان دهد سطح معقولی از قطعیت وجود دارد که طرح انتقال، به شکل اساسی کیفیت محیط زیست را درمبدأ، مسیر و یا مقصد تخریب نمی‌کند. چنانچه هزینه‌های جبران تخریب محیط زیست فراهم شود، طرح انتقال ممکن است توجیه‌پذیر باشد.

۴- ارزیابی جامع پیامدهای اجتماعی-فرهنگی بایستی نشان دهد که سطح معقولی از قطعیت وجود دارد که طرح انتقال، سبب بروز اختلال اساسی اجتماعی-فرهنگی در حوضه مبدأ، مسیر و یا مقصد نخواهد شد. با این حال، چنانچه پرداخت غرامت برای جبران زیان‌های اجتماعی-فرهنگی فراهم شود، طرح انتقال ممکن است توجیه‌پذیر باشد.

۵- منافع خالص ناشی از اجرای طرح بایستی میان حوضه‌های مبدأ، مسیر و مقصد به صورت عادلانه تقسیم شود.

با نگاهی به معیارهای انتقال آب از دیدگاه توسعه پایدار مشاهده می‌شود اصولی را که یونسکو در ۵ بند ارائه کرده، مجموعه‌ای جامع بوده که در بندهای زیر تفکیک شده است:

تأثیر پروژه در طرح آمایش سرزمین، زیرساخت بودن پروژه در منطقه، تأثیر پروژه در مهار و کنترل آب‌های جاری و به‌ویژه آب‌های مشترک مرزی، وابستگی صنایع و کشاورزی و شرب به آب انتقالی در دو حوضه مبدأ و مقصد، بررسی پتانسیل‌های موجود در حوضه مبدأ، بهبود اراضی کشاورزی و افزایش تولیدات، کارآفرینی و ایجاد اشتغال و جلوگیری از بیکاری، بررسی کیفیت آب در حوضه مبدأ از سرچشمه تا پایین‌دست و آخرین برداشت‌کننده‌های آب و برآورده‌سازی نیاز محیط‌زیستی محل تخلیه اعم از دریا، تالاب و ...، بررسی تغییرات سطح ایستابی در حوضه مبدأ و نشست اراضی در صورت پایین‌افتادن سطح آب‌های زیرزمینی، اثرات پروژه بر حذف و یا تخریب جاذبه‌های گردشگری، برقراری عدالت اجتماعی در تخصیص آب حوضه‌ای و الزام محرومیت‌زدایی از حوضه‌های مبدأ و مقصد، و نهایتاً رخداد آثار سوء اجتماعی و مهاجرت بی‌رویه از حوضه مبدأ و تمرکز در حوضه مقصد با توجه به وجود آب.

مجموعه توصیه‌های سازمان جهانی یونسکو و توصیف‌های تکمیلی از موضوع انتقال آب، بعد وسیع‌تری از موضوعات مرتبط با انتقال آب را در چشم‌انداز انجام این طرح‌ها آشکار می‌کند. نگاهی دقیق‌تر به این موارد نشان از آن دارد که همه الزامات و توصیه‌ها براساس اصل توسعه پایدار نهاده شده که ضروری است برای هر موضوع در تصمیم‌گیری‌های یک سرزمین توسط حکمرانان به‌عنوان اصل و مبنا پذیرفته شود. اگر اصل توسعه پایدار به‌عنوان هدایت‌کننده مسیرهای تصمیم‌گیری و اقدامات عملی در تمامی وجوه توسعه کشور در نظر گرفته شود، آنگاه موضوع انتقال آب به‌عنوان یک چالش نخواهد بود و طبعاً طرفداران و منتقدانی هم نخواهد داشت، بلکه تصمیم‌گیری در مورد انجام آن بر مبنای خرد جمعی و اصل توسعه پایدار با در نظرگرفتن تمامی بایدها و نبایدها صورت می‌گیرد. اما از آنجا که اجرای طرح‌هایی همچون انتقال آب، تشکیل بازار آب، سدسازی و هر طرحی که اثرات آن به صورت کوتاه‌مدت قابل ارزیابی نیست، هرگونه نقد در مورد آنها بر پایه تجربیات بدست آمده از سایر کشورها در اجرای اقدامات مشابه می‌باشد که از نگاه حکمرانی چندان قابل قبول نیست.